

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۲۶

جلوه‌هایی از تربیت چندفرهنگی در مثنوی معنوی

با محوریت نگرش عرفانی

فرهاد کاکه‌رش^۱

هیرو خاتونی^۲

چکیده:

مولوی، بزرگ‌ترین شاعر و نویسنده عارف قرن هفتم و در تاریخ زبان و ادب فارسی، شخصیتی دوران‌ساز و تأثیرگذار در تحولات ادبی فرهنگی بوده‌است. آثار مولوی، تاکنون هدف رویکردهای مختلف پژوهشی قرار گرفته است. در پژوهش حاضر، تلاش شده از منظری دیگر بر آفرینش‌های ادبی و فکری آثار مولوی نگریسته و جلوه‌های از تربیت چندفرهنگی در آن‌ها باز نموده شود. هدف کلی این پژوهش، بررسی جلوه‌هایی از تربیت چندفرهنگی و میزان مصداق آن در آثار مولوی بوده و جهت بازشناسی و استخراج مؤلفه‌های تربیت چندفرهنگی، به مثنوی مولوی توجه شده است. بدین منظور ابتدا مبانی نظری آموزش و پرورش چندفرهنگی مطالعه و ۱۰ مقوله از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن مشخص شده و، الگوهایی از مثنوی مولوی بر اساس این مؤلفه‌ها تحلیل شده‌اند. روش تحقیق در این پژوهش در اساس مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا و واحد تحلیل، مضمون حکایات یا آموزه‌ها بوده است، اما به لحاظ ماهیت و روش در شمار تحقیقات توصیفی-تحلیلی قرار می‌گیرد. جامعه‌ی آماری آموزه‌های از مثنوی مولوی تشکیل می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که توجه به رویکرد تربیت چندفرهنگی در مثنوی مولوی در همه مؤلفه‌های ده‌گانه مذکور در این پژوهش و تربیت چندفرهنگی، نمود فراوان داشته و این مقوله‌ها به فراوانی مورد تأکید قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها:

تربیت چندفرهنگی، مؤلفه‌های چندفرهنگی، مثنوی.

^۱ - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد، گروه زبان و ادبیات فارسی. نویسنده مسئول:

farhad_kakarash@yahoo.com

^۲ - دانش آموخته دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه، گروه علوم تربیتی

پیشگفتار

تعلیم و تربیت یکی از نهادهای مهم اجتماعی است که در اثر تحولات اجتماعی و سیاسی پیرامون خود، به مانند بسیاری از امور و نهادهای دیگر اجتماعی و فرهنگی متحول می‌شود. هر چند که آموزش و تربیت را جدا از هم معرفی می‌کنند اما بدیهی است که آموزش در بطن تربیت نمود دارد، به عبارتی دیگر، تربیت اعم از آموزش است. از طرف دیگر، فرهنگ ایرانی مجموعه‌ای از فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌هایی است که هر کدام نماینده لایه‌های اجتماعی و گروه‌های چندگانه قومی مذهبی است. «تربیت چندفرهنگی» مقوله‌ای جدید در آموزش و پرورش ایران است که تحقیقاتی اندک در آن صورت گرفته است. رویکردی که هدف آن تبیین فرهنگ‌های مختلف و بررسی و ارزیابی نقاط قوت و ضعف و نقاط تشابه و اختلاف فرهنگ‌های جوامع مختلف، به منظور آشناسازی دانش آموزان با فرهنگ‌ها و جوامع دیگر و آماده سازی آن‌ها جهت تحکیم هویت واقعی فردی، جمعی، ملی و فراملی است و تنها راه جلوگیری از بروز بحران و تعارضات هویتی تاکید بر جهت‌گیری برنامه‌ها و محتوای درسی نظام‌های آموزشی به سمت کثرت‌گرایی فرهنگی است، نه تک‌گرایی فرهنگی. این رویکرد شباهت‌هایی با موازین اسلام و عرفان اسلامی دارد.

تربیت چندفرهنگی معادل اصطلاح Multicultural در زبان انگلیسی است و در زبان فارسی ترکیبی از واژه‌های تربیت و فرهنگ است. تربیت چندفرهنگی به گونه‌های کثرت‌گرایی فرهنگی، آموزش چندفرهنگی و برنامه درسی چندفرهنگی توصیف شده است. بحث پیرامون کثرت‌گرایی فرهنگی (Multiculturalism) و تعلیم و تربیت مبتنی بر کثرت‌گرایی فرهنگی (Multicultural Education) برخلاف بحث تعلیم و تربیت و فرهنگ و نسبت بین آن‌دو، می‌تواند جریانی نو در عرصه تعلیم و تربیت تلقی شود. چنانکه می‌توان قدمت آن را به دو دهه اخیر مربوط ساخت. کثرت‌گرایی (Pluralism) اساساً نقطه مقابل وحدت‌گرایی یا واحدگرایی (Monism) است. (سجادی، ۱۳۸۴: ۲۶)

«تعلیم و تربیت چندفرهنگی به عنوان یک حوزه‌ی مطالعاتی محسوب شده که هدف عمده‌ی آن برابری فرصت‌های تعلیم و تربیتی برای نژادها، اقوام و گروه‌های فرهنگی مختلف است. (بنک وبنکز، ۱۹۹۵)^۱ و یکی از اهداف عمده‌ی آن کمک به همه فراگیران در

^۱ - Bank and Banks

بهره‌گیری عادلانه از دانش و مهارت‌ها و داشتن عملکرد مؤثر در یک جامعه متکثر و دارای گروه‌های قومی در زمینه‌ی تعاملات و ارتباطات با سایر افراد جامعه می‌باشد.» (عراقیه و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵۴)

صادقی از پژوهشگران این حوزه می‌گوید: «برنامه درسی چندفرهنگی ساز و کاری است که می‌تواند از طریق توانمندسازی افراد و گروه‌ها از منظر برخورداری از دانش، نگرش و مهارت برای زیست مسالمت‌آمیز در یک جامعه چندفرهنگی مؤثر و کارساز باشد. برنامه درسی چندفرهنگی زاینده جوامع چندفرهنگی است و چندفرهنگی توصیف وضعیتی است که فرهنگ‌های مختلف بنا به دلایلی در کنار یکدیگر امکان زیست پیدا کرده‌اند. ماموریت اصلی رویکرد برنامه درسی چندفرهنگی، طراحی و تدوین برنامه‌های درسی با ویژگی‌های چندفرهنگی است. این معنی که ضمن گنجاندن صدای همه فرهنگها و ارج گذاشتن به آن‌ها (پارخ، ۱۹۸۶) سعی در ایجاد تفاهم و تعامل میان آن‌هاست، تا بدین طریق بتوان به هدف «وحدت در عین کثرت» دست یافت. این هدف ضمن توجه به ارزش و اهمیت ذاتی کثرت فرهنگها، در صدد ایجاد نوعی وحدت برای زیست مسالمت‌آمیز میان آن‌ها از طریق آموزش نحوه تعامل میان آن‌هاست. (۱۳۸۹: ۱۹۱)

برخی از مؤلفه‌های تربیت و آموزش چند فرهنگی که مورد پذیرش اغلب پژوهشگران در این رشته می‌باشد عبارتند از:

- توجه به ارزش و کرامت معنوی همه انسان‌ها؛
- پذیرش تفاوت و تکثر؛
- آموزش ضد تبعیض و تعصب نژادی؛
- تنوع استفاده از روش‌های تدریس، ارزشیابی، مواد و محیط یادگیری؛
- تنوع قومی، مذهبی و محیطی؛

در ادبیات و عرفان اسلامی که رنگ هنری شریعت اسلامی و دین است مؤلفه‌های مذکور، به نحو گسترده و جذاب دیده می‌شود که آموزه‌های مثنوی مولوی، یکی از بهترین مصداق در این زمینه می‌تواند باشد. اگر ویژگی‌هایی تکثرگرایی و تربیت چندفرهنگی را در اسلام و عرفان اسلامی - براساس متون ادبیات اسلامی و عرفانی - استخراج کنیم به غنای بیشتر فرهنگ عرفانی ایرانی و اسلامی، می‌افزاییم.

پژوهشگران بسیاری در آثار مولوی و کاویده و از زوایای گوناگون به آن توجه کرده و به معارف بسیاری هم دست‌یافته، اما بررسی جلوه‌هایی از تربیت چندفرهنگی پژوهشی صورت

نگرفته است. نگارنده متعهد و ملزم به انجام این پژوهش است. به علت گستردگی موضوع برای این پژوهش، به صورت موردی، بررسی آثار شاعر و نویسنده‌ی بزرگ و عارف قرن هفتم انتخاب شده است یعنی مولوی؛ که زبان گیرا و گسترده و قدرت بیان و خامه توانایشان و تأثیری که در دوره‌ی خویش و بعد از خود در تحولات ادبی داشته، بررسی آثارشان می‌تواند نکات مهم را در رابطه با موضوع پژوهش ما مشخص نماید.

سوابق، سؤال و هدف پژوهش

با توجه به اینکه پژوهش حاضر، در شمار مطالعات بین رشته‌ای و ادبیات تطبیقی قرار می‌گیرد، به علت تازگی موضوع تحقیق و جستجوهای انجام گرفته در کتابخانه‌ها، سایت‌های اینترنتی، مراکز اطلاعات و پژوهش‌های علمی (ایران داک و سیکا و پایان‌نامه‌های موجود)، تاکنون پایان‌نامه‌ای و حتی مقاله‌ای عیناً یا مشابه آن، به نگارش در نیامده است (و یا حداقل ما از آن بی‌اطلاع هستیم). تنها مقاله‌ای که می‌توانست به عنوان پیشینه مطلب ذکر شود مقاله در حال چاپ فصل جاری از جواد عبدلی سلطان احمدی با عنوان «نگاهی به آموزش چندفرهنگی در کتابهای ادبیات فارسی»، فصلنامه زبان و ادبیات، دانشگاه آزاد اسلامی خوی، می‌باشد. هر چند که در آن نویسنده اشاره‌ای اندک به موضوع داشته است اما فضل تقدم دارد.

پرسش‌های تحقیق این است که:

- تربیت چندفرهنگی در آموزه‌های مولانا چگونه تجلی یافته است؟
 - آیا تربیت چندفرهنگی در جامعه ما، مورد پذیرش یا جایگاه واقعی خود را کسب کرده است؟
 - آیا سرچشمه‌های تربیت چندفرهنگی را می‌توان در فرهنگ اسلامی و ایرانی جستجو کرد؟
 - آیا مؤلفه‌های تربیت چندفرهنگی در آموزه‌های عرفانی و اخلاقی ادبیات فارسی چون مولانا و مصداق‌های عینی دارند؟
- هدف اصلی هم از این نوشتار، بررسی و واکاوی نظریه‌های مدرن تربیتی مانند تربیت چندفرهنگی، بازگشت به سنت اسلامی، ادبی و عرفانی فرهنگ اصیل خویش است که با تأکید براندیشه‌های مولوی و و تعمق در ژرفای آن، می‌توان به نوجویی و تازگی‌های مطابق

با نیاز امروز دست یافت؛ به باور نویسنده‌ی روزنامه انگلیسی گاردین: «این موضوعی تقریباً باور نکردنی است که، پرفروش‌ترین اشعار در ایالات متحده آمریکا، از آن هیچ‌یک از غولان ادبیات آمریکا همانند رابرت فراست، والاس استیونز یا سیلویا بلات و حتی شکسپیر، هومر، دانته و هیچ‌یک از شاعران اروپایی نبوده است. بلکه به گونه‌ای شگفت‌انگیز، پرفروش‌ترین اشعار در ایالات متحده آمریکا از آن اشعار کلاسیک یک روحانی مسلمان به نام مولوی بوده که قرن‌ها پیش به آموزش قوانین شریعت اسلام اشتغال داشته است» (قنبری: ۲۰۱۳) بسآمد بسیار بالای مولوی پژوهان و پژوهان ایران و جهان گویای این است که مولانا و، چون پزشکی ماهر درد بشریت را بسیار دقیق درک کرده و می‌دانسته‌اند از ازل تا ابد، بزرگ‌ترین بیماری بشریت، بیماری نفس اماره و خودخواهی‌ها، ناسپاسی و عدم زندگی مسالمت‌آمیز، تفرق و دودستگی و زیاده‌خواهی‌های مستکبران است و راه‌های مقابله با آن و نسخه شفابخش برای دردمندان نسل حاضر در همین آموزه‌هایی است که با فطرت بشری سازگار است.

اسلام و تربیت چندفرهنگی

اگر نگاه کلی به تاریخ صدر اسلام و قرآن (قانون زندگی) بیندازیم، همسانی‌ها و ویژگی‌هایی جامعه‌ی تکثرگرایی و تربیت چندفرهنگی به وضوح مشاهده می‌کنیم:

الف- قرآن و تکثرگرایی و چندفرهنگی

آشکارترین ندای تکثرگرایی در آیه ۱۳ سوره حجرات نمایان و یکی از مشهورترین آیات قرآن در میان عام و خاص است. یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (حجرات/۱۳) یا أَيُّهَا النَّاسُ (وَجَعَلْنَاكُمْ) یعنی ای مردم، (إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ) بدرستی که ما شما را آفریدیم، (مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ) از مرد و زن، (وَجَعَلْنَاكُمْ) و قرار دادیم شما را (شُعُوبًا) شعبه‌شعبه، (وَقَبَائِلَ) و قبیله‌قبیله، شما را تیره‌تیره آفریدیم، (لِتَعَارَفُوا) تا یکدیگر را بشناسید (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ) بدرستی که گرامی‌ترین شما نزد خداوند کسی است که تقوایش بیشتر باشد.

تحقیقی که عباسی و دیگران (۱۳۹۲)، در بررسی مؤلفه‌های چندفرهنگی در قرآن کریم انجام داده‌اند حکایت از زمینه‌های تربیت چندفرهنگی در قرآن دارد.

ب) تاریخ عملی صدر اسلام سنت پیامبر(ص) و تکثرگرایی و چندفرهنگی

مواردی زیادی از پیوند و همبستگی با اختلاف مذهبی و قومی در تاریخ عملی آغازین حکومت اسلامی دیده می‌شود از جمله:

- هجرت اولین گروه مسلمانان به حبشه و پیمان دوستی با آنان با آرایه استدلال منطقی. در حالی که حبشه کشور و قومی دیگر و مذهبی دیگر (مسیحی) داشتند.
- در آغاز ورود مهاجرین به مدینه، پیامبر دستور برادری و همبستگی با انصار داد که سرآغاز تشکیل حکومت فراقومی بود.
- کرامت‌های اخلاقی در گفتار و دستورات پیامبر (ص): *إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ*^۱: برای کامل کردن کرامت‌های اخلاقی براتگیخته شدم.

مؤلفه‌های تربیت چندفرهنگی در آموزه‌های مولوی

شاعران و نویسندگان ما، به ویژه و مولوی، ادب آموخته‌ی مکتب قرآن و ایمان و اسلام هستند و بزرگ‌ترین هدف آن‌ها از آرایه مطالب‌شان، ترویج دین اسلام و احکام زندگی آن به زبان دلچسب ادبی است و به ویژه در تاریخ تفسیر و ادبیات فارسی و گاه جهانی، مثنوی مولوی را قرآن فارسی نامیده‌اند.

مثنوی معنوی مولوی هست قرآن در زبان پهلوی

در هر حال، تربیت و تعلیم در لفافه‌ی تمثیل و حکایات، از شیوه‌های تربیتی آن‌هاست. برای الگو و معیار سنجش و تشخیص تربیت چندفرهنگی در این اینجا، مضمون ۲ سه

^۱ - مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۶

^۲ - بررسی مضمون (تم)، مایه غالب (موتیف) و تیپ (نوع شخصیتی) حوزه دیگری را در پژوهش‌های ادبیات تطبیقی تشکیل می‌دهد. مضمون و مایه غالب از نظر مفهوم بسیار به هم نزدیک هستند و برخی این دو را مترادف به حساب می‌آورند. سمیعی (گیلانی) در مقاله‌ای با عنوان «مضمون، مایه غالب، و نماد» (۱۳۸۶)، با مطالعه ریشه این واژه‌ها، آنها را به دقت طبقه‌بندی می‌کند و توضیح می‌دهد. «مضمون موضوع دل مشغولی یا علاقه عام آدمی است» و مایه غالب را واحد پایه و دقیق‌تر بگوییم «کوچک‌ترین جزء مصالح مضمونی» یک اثر تعریف می‌کند. لذا مایه‌های انتزاعی همچون تولد، مرگ، عشق، عدالت، فداکاری، ایمان، رستگاری و عقل را می‌تواند مضمون و مایه‌های غالبی همچون فلسفه زندگی، تولد، مرگ، حقیقت‌طلبی، جستجو و طلب، خوشبختی و سعادت، عدالت، زیبایی، عشق و محبت، خیر و شر، قهرمانی و شجاعت، میهن‌پرستی، جنگ و نفرت، انتقام‌جویی و کینه‌ورزی، حسادت و غرور، آینه، جام جهان‌نما، جام زرین، سفر، رودخانه، حیات

مؤلفه‌ی تربیت چندفرهنگی و مصادیق آن‌ها در آموزه‌های مولوی گزینش و موضوعات به-طور خلاصه تحلیل و بررسی شده است.

احترام متقابل و توجه به ارزش و کرامت معنوی همه انسان‌ها

یکی از ایده‌های محوری سیاست چندفرهنگی یا چندفرهنگ‌گرایی، توجه به منزلت و کرامت انسانی است. چارلز تیلور^۱ به عنوان یکی از صاحب‌نظران پرنفوذ این حوزه، در کتاب «سیاست چندفرهنگی؛ بررسی سیاست شناسایی»^۲ (۱۹۹۴) خویش بر این امر اذعان نموده و بیان می‌کند که شناسایی موضوع و مسأله کرامت انسانی است. یکی از رازهای ماندگاری مولانا در همین نکته‌هاست؛ نکته‌هایی که درد انسانیت را مطرح می‌کنند، نیازهای فطری را آموزش و تذکر می‌دهند، مباحثی را بیان می‌کند که انسان‌ها در زندگی به‌طور اعم، برای رسیدن به سعادت و موفقیت و زندگی مسالمت‌آمیز و نوع‌دوستی به آن نیاز دارند از قبیل: شجاعت، محبت، اتحاد، همدلی و

گویی مولانا در دوره از تاریخ زندگی می‌کند که به مانند امروز ظلم و ستم بیداد می‌کند، تکبر و غرور و هوس‌پرستی سرکشی می‌کند، ریا و دروغ و چاپلوسی در میان مردم (و حتی مدعیان دینداری و عرفان) عادی شده است: مولانا بی‌توجه به این مهم عصر خود و اعصار پس از خود نیست و چنان فریادی بر میدارد که گویی تاریخ تکرار می‌شود و همین فریادها امروز برای ملل تحت فشار و ظلم زورگویان حسب حال است؛ مولوی به دنبال حلقه گمشده است او در جستجوی انسانیت است:

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست
ای آفتاب حسن برون آدمی زابر کان چه‌رهی مشع تابانم آرزوست
دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر از دیو و دد ملولم وانسانم آرزوست
(اشاره به داستان مشهور دیوجانس (دیوژن: ۳۱۳) (نیکلسون، ۱۳۸۱: ۱۲۵)

جاودانی، رویین‌تنی، طبیعت و کلان‌شهر را می‌توان با استفاده از روش تطبیقی در آثار ادبی ملل مختلف مورد مطالعه قرار داد. (انوشیروانی، ۱۳۸۹: ۲۶)

^۱- Charles Taylor.

^۲- Multiculturalism: Examining the Politics of Recognition.

پذیرش تفاوت و تکرر و وحدت در عین کثرت و همزیستی مسالمت‌آمیز

«وحدت در کثرت»، مهم‌ترین و در عین حال یکی از پیچیده‌ترین مباحث و مضامین عرفانی و از مؤلفه‌های مشترک بین عرفان اسلامی و تربیت چندفرهنگی است و همسانی‌هایی زیادی با هم دارند. البته وحدت در کثرت در عرفان اسلامی مایه دینی و یکتاپرستی دارد ولی مقید به تعصبات دین خود نیست. این نظریه مبنای وحدت وجودی دارد. از نظر مولانا، اصل هستی، مبتنی بر وحدت است و ظهور کثرات، جنبه اعتباری و نمودی دارد و این موضوع به مناسبت‌ها و در جاهای مختلف مثنوی آمده است:

منبسط بودیم و یک جوهر همه	بی‌سر و بی‌پا بُدیم آن سر همه
یک گهر بودیم همچو آفتاب	بی‌گره بودیم و صافی همچو آب
چون به صورت آمد آن نور سره	شد عدد چون سایه‌های کنگره
کنگره ویران کنی از منجینق	تا رود فرق از میان این فریق

(دفتر اول / ابیات ۶۸۹-۶۸۶)

آن که دو گفت سه گفت و بیش از این	متفق باشند در واحد یقین
احولی چون دفع شد یکسان شوند	دو سه گویان هم، یکی گویان شوند

(دفتر دوم / ابیات ۳۱۲-۳۱۱)

مولوی در حکایت نخجیران و شیر، نکته بسیار مهم در پذیرش تفاوت و تکرر و همزیستی مسالمت‌آمیز متذکر می‌شود. او می‌گوید اگر میش و گرگ از هم بگریزند جای شگفتی نیست و بسیار طبیعی است. مهم آن است که این دو ضد، در کنار هم و در یک آبشخور با هم و بدون واهمه و ترس و مسالمت‌آمیز زندگی کنند و این اوج اتحاد و وحدت در تکرر است که لازمه جامعه چند فرهنگی است:

این عجب نبود که میش از گرگ جست این عجب کاین میش دل در گرگ نیست

(دفتر اول / ب ۱۲۹۲)

«همزیستی مسالمت‌آمیز، همزیستی صلح‌جویانه‌ی نظام‌های گوناگون ایدئولوژیک و اقتصادی و سیاسی با یکدیگر است. این اصطلاح به خصوص در مورد سیاست پرهیز از جنگ میان دو بلوک سوسیالیست و کاپیتالیست به کار می‌رود. همزیستی مسالمت‌آمیز

شعاریست که کمونیست‌های روسی از زمانی که در روسیه به قدرت رسیدند به کار بردند، چینی‌ها که در آن زمان بسیار تندرو بودند و جنگ میان دو اردوگاه را ناگزیر می‌دانستند، شوروی را، به علت این سیاست، متهم به سازش با امپریالیسم می‌کردند و امپریالیسم را «بیر کاغذی» می‌خواندند، ولی خروشچف در پاسخ آنان در ژوئن ۱۹۶۳ گفت، کسانی که این اصل را رد می‌کنند «گویا به قدرت انقلابی طبقه کارگر ایمان ندارند.» و افزود که «همزیستی مسالمت‌آمیز در حوزه‌ی ایدئولوژی ناممکن است» و کسانی که از همزیستی ایدئولوژیک دم زنند به آرمان کمونیسم خیانت کرده‌اند. وی این نکته را نیز روشن کرد که رقابت میان دولتها با نظامهای اجتماعی گوناگون در همه زمینه‌های دیگر ادامه خواهد داشت تا آن که برتری کمونیسم ثابت شود و سرمایه‌داری را به خاک سپارد.

در عمل نیز آشکار شده است که پرهیز قدرت‌های هسته‌ای از یک جنگ بزرگ مانع درگیری‌های کوچک‌تر و غیر مستقیم میان آن‌ها نبوده است.^۱ (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۲۷)

مولوی می‌گوید تا زمانی که احساس دوگانگی و خود بینی داشته باشیم همه فقط تفرقه و نزاع است و اتحاد هم‌رنگی معنوی لازم است برای زیستن سعادت‌مند:

تفرقه بر خیزد و شرک و دُوی وحدت است اندر وجود معنوی

چون شناسد جان من جان تو را یباد آرند اتحاد ماجری

^۱ - پانچاشیلا، [از زبان سنسکریت به معنای «پنج اصل»] پانچاشیلا، در شریعت بودا، نام پنج قانون کردار بوداییان عامی است، که عبارتست از: پرهیز از کشتار، دزدی، شهوت‌رانی، دروغ و می‌خوارگی. این اصطلاح را دولت هند برای اصول پنجگانه سیاست خارجی خود به کار می‌برد، که عبارتند از:

۱- احترام به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورها؛

۲- عدم تجاوز؛

۳- دخالت نکردن در امور داخلی دیگر کشورها؛

۴- احترام دو سویه و برابری در روابط بین‌المللی؛

۵- همزیستی رژیمهای گوناگون؛

کنفرانس ملت‌های آسیایی و آفریقایی در باندونگ (تک کنفرانس باندونگ) این اصول را به عنوان «پنج اصل

همزیستی مسالمت‌آمیز» تصویب کرد. (آشوری، ۱۳۸۲)

(دفتر چهارم: ۳۸۳۰-۳۸۲۹)

مولوی به صراحت از مثنوی و مطالب و مضامین مختلف دفاع می‌کند که با همه گوناگونی حکایات و موضوعات، با یک هدف واحد را دارم و همچون جامعه متکثر که دارای وحدت و یکرنگی هستند:

مثنوی ما دُکان وحدت است غیر واحد هر چه بینی آن بُت است
(دفتر ششم ۱۵۲۸)

مولوی در جایی دیگر تمثیل آفتاب را می‌آورد که به همه یکسان می‌تابد ولی هر کس و هر چیزی بهره‌گیری متفاوت دارد:

همچو آن یک نورِ خورشیدِ سما صد بُود نسبت به صحنِ خانه‌ها
لیک یک باشد همه انوارشان چون که برگیری تو دیوار از میان
(دفتر چهارم ۴۱۷-۴۱۶)

مولوی مثال اختلافات افراد و اقوام و مذاهب را مانند اختلافات حروف الفبا می‌داند که همه مختلف هستند وقتی کنار هم درست چیده شوند معنی واحدی را می‌رسانند و با هم معنا دار می‌شوند:

اولا بشنو که خَلقِ مختلف مختلف جان‌اند از یا تا الف
در حروفِ مختلف، شور و شکی است گرچه از یک رُو ز سر تا پا یکی است
(دفتر اول / ۲۹۱۵-۲۹۱۴)

مولانا با دید عرفان عاشقانه، موضوع وحدت را بسیار لطیف تعبیر می‌کند که پشت سر اختلافات ظاهری وحدت و اتحاد هست اما باید با عشق خالص به سوی آن حرکت کنی:

زان سوی جسِ عالمِ توحید دان گر یکی خواهی، بدان جانب بران
امرِ «کن» یک فعل بود و نون و کاف در سخن افتاد و معنی بود صاف
(دفتر اول ۳۱۰۰-۳۰۹۹)

در لابه‌لای آن تمثیل، به یکی از ناب‌ترین نکات اتحاد انسانی و اسلامی در مسیر الهی

اشاره می‌کند و می‌گوید:

دست، کورانسه بحبل الله زن جز بر امر و نهی یزدانی
(متن دفتر ششم، بیت ۳۴۹۲)

که متأثر از آیه ۱۰۳ سوره آل عمران است، آن جا که حق تعالی می‌فرماید: «واعتصمو بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا...». و همگی به رشته ناگسستنی قرآن خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید. (خرم‌دل، ۱۳۸۶: ۱۱۶).

سپس مولانا، حبل الله را با دید و عرفانی تأویل و تفسیر می‌کند که پیوند خدایی زمانی میسر است که از بند هواهای نفسانی آزاد گردید. همان هواهای نفسانی که قوم عاد را به نابودی کشاند:

چيست حبل الله؟ رها کردن هوا کين هوا شد صرصر مر عاد را
خلق در زندان نشسته از هواست مرغ را پرها بیسته، از هواست
(همان، ابیات ۳۴۹۴-۵)

به این ترتیب مولانا به ما می‌آموزد برای جلوگیری از تفرق و جدایی بین امت خدایی، ابتدا باید همه از زندان هوا و هوس‌های نفسانی، چون تکبر، خودخواهی، نفس پرستی و... رها شویم، آن گاه با قلبی خالص به ریسمان الهی چنگ زنیم و همه در مسیری مستقیم حرکت کنیم و این مسیر قرآن و الهی است و همان مسیری که پذیرش آن راه‌های انبیا و اولیای الهی است:

هست قرآن حال‌های انبیا ماهیان بحر پاک کبریا
ور بخوانی و نه‌ای قرآن‌پذیر انبیا و اولیا را دیده‌گیر
(دفتر اول، ابیات ۹-۵۳۸)

مولانا چون پزشکی ماهر درد بشریت را بسیار دقیق درک کرده و می‌دانسته است از ازل تا ابد، بزرگ‌ترین بیماری بشریت، بیماری نفس اماره است «بیماری که در مکتب عرفان به خوبی شناخته شده و معروف بوده» (حاکمی، ۱۳۸۴: ۱۵۳) و مولانا راه‌های مقابله با آن و نسخه‌ی شفابخش را برای دردمندان بشری آماده کرده است و یکی از علل ماندگاری مولانا هم همین آموزه‌هایی است که با فطرت بشری سازگار است.

مولانا خود در ادامه تأکید دارد که مقصد و مقصود نهایی همه طریقت‌ها و مسلک‌های اولیاء یکی و آن وجود حق است اما اگر اختلافی در شیوه و طریقت‌ها هست در ظاهر قضیه است و سرانجام همه به حق منتهی می‌شود:

هر نهی و هر ولی را مسلکی است لیک، با حق می‌برد جمله یکی است
(مولوی؛ ۱۳۹۰: ۳۰۸۶/۱)

مولوی در تبیین این نکته در «فیه ما فیه» ص ۹۷، می‌گوید: «اگر راه‌ها مختلف است، اما مقصد یکی است. نمی‌بینی که بعضی را راه از روم است، و بعضی راه از شام و بعضی را از چین و بعضی از راه دریا از طرف هند و یمن. پس اگر در راه‌ها نظر کنی، اختلاف، عظیم و مبانیت، بی‌حد است، اما چون به مقصود نظر کنی همه متفق‌اند و یگانه. (زمانی، ۱۳۷۲: ۸۹۷). مولانا در ادامه کوتاه (اما پرمعنی)، مناجات‌گونه به سالک می‌آموزد که از خدا یاری جوید تا به مقامی دست یابد بدون قیل و قال، حقیقت بر او ظاهر شود:

ای خدا جان را تو بنما آن مقام که در آن بی‌حرف می‌روید کلام
(همان)

به این دلایل است تأثر و تألم کم‌نظیر همه‌جانبه همه گروه‌های فکری و مذهبی، اسلامی و غیراسلامی نسبت به مرگ این اعجوبه‌های ادب فارسی و عرفان اسلامی و بزرگ‌ترین مروّج مکتب اتحاد و محبت یعنی مولوی: «روز رحلت آن آفتاب جهان‌تاب عرفان، سرما و یخبندان بود، سیر پرخروش مردم از پیر و جوان، مسلمان و کافر، مسیحی و یهودی در این عزای عظیم و ماتم کبیر شرکت داشتند...

مردم شهر از صغیر و کبیر همه اندر فغان و آه و نغیر

مسلمان و مسیحی و گبر، همه به یک سو و یک مقصد در حرکت بودند. همه حال و مقال یگانه داشتند که «همدلی از هم‌زبانی بهتر است»... گویی روح وحدت‌گرایی مولانا بر همه حکم می‌راند. خاخام‌ها و کشیش‌ها و روحانیان مذاهب دیگر، تابوت مولانا را بر سر نهاده و همراه و همدل با مسلمانان شیون می‌کردند
روزهای زیادی این عزا و ماتم عمومی حکمفرما بود...

بعد چل روز سوی خانه شدند همه مشغول این فسانه شدند
روز و شب بود گفتشان همه این که شد آن گنج زیر خاک دفین

(زمانی، ۱۳۷۹: به تلخیص صص ۳۶-۳۳)

انعکاس تنوع قومی، مذهبی، محیطی

یکی از مؤلفه‌های اصلی و مهم تربیت چند فرهنگی - که نظر بسیاری از پژوهشگران و نظریه‌پردازان علوم تربیتی را بخود جلب کرده است - آن است که دست اندرکاران آموزش و پرورش، در کتب درسی مدارس و آموزش عالی در کتب دانشگاهی مربوطه، از اقوام، مذاهب، مشاغل، محیط‌های گوناگون و از این قبیل تفاوت‌ها را در حد متعادل منعکس کنند تا هر کدام از اقوام و مذاهب و مشاغل، احساس هویت داشته باشند که به آن‌ها توجه کرده و به هر کدام احترام قائل شده‌اند.

مولانا جلال‌الدین مولوی، در مثنوی و دیگر آثارش - صرف‌نظر از اهداف عرفانی و تعلیمی که دارد - از مشاغل گوناگون، افراد مذاهب مختلف، اقوام و حتی محیط‌های متفاوت و فرهنگ عامه در مواضع مختلف بحث کرده است. به نظر می‌رسد در کمتر اثری از تاریخ و ادبیات ایران و حتی جهان، این تنوع دیده شود و به همین مناسبت است هنگام فوت این بزرگ مرد تاریخ و فرهنگ ایران، همه گروه‌ها و اقوام و مذاهب گوناگون، از وی به خوبی یاد می‌کنند و همه عزاداری می‌کنند و همه در ماتم وی شرکت می‌کنند و هر کدام مولانا را از خود می‌دانند.

مولانا در دفتر ششم، حکایت سه مسافر مسلمان و ترسا (مسیحی) و جهود را نقل می‌کند که در منزل غذایی (حلوایی) می‌یابند و ترسا و یهود سیر بودند و گفتند: این غذا را فردا می‌خوریم و مسلمان روزه‌دار بود و شب بسیار گرسنه بود و اما چون آن دو غالب بودند گرسنه ماند. هر چند که مولانا اهدافی دارد و نتیجه‌ای که می‌گیرد بیشتر اخلاص در دوستی و دوری از روپوش دینی و تعلقات است؛ اما ذکر افراد با مذاهب مختلف در اینجا مد نظر است:

یک حکایت بشنو اینجا پسر تا نگریدی ممتحن اندر هنر
آن جهود و مؤمن و ترسا مگر هم‌رهی گردند با هم در سفر
(دفتر ۶، ابیات ۷-۲۳۷۶)

مؤمن و ترسا، جهود و گبر و مغ جمله را رو سوی آن سلطان آغ
(همان، بیت ۲۴۱۹)

الغ: بزرگ

اقوام مختلف (عرب، فارس، ترک، رومی) در نزاع بر سر انگور

چارکس را داد مردی یک دم آن یکی گفت: این به انگوری دهم
آن یکی دیگر عرب بود گفت: لا من عنب خواهم نه انگور ای رغا
آن یکی بُد و گفت: این بَنَم من نمی خواهم عنب، خواهم اَرُم
(دفتر ۲ / ابیات ۸۴ - ۳۶۸۱)

یا:

ده منادی از بلند آوازیان ترک و کرد و رومیان و تازیان
(همان: ب ۶۳۴)

نحوی و کشتیان:

آن یکی نحوی به کشتی در نشست رو به کشتیان نهاد آن خود پرست
(دفتر ۱ / ب ۲۸۳۵)

محبوبه مباحثی در کتاب «فرهنگ اجتماعی عصر مولانا، از صدها پیشه، شغل، پوشاک، بازی، ابزارآلات، القاب و عناوین، جشن ها و سورها، خوراکی ها، طوایف مختلف، مکان های متفاوت و... در مثنوی و آثار دیگر وی نام می برد که نشان از گستردگی زبان و اندیشه و وسعت و سعه صدر مولوی است.
از ارمنی، افرنگ، تاجیک، تاتار، بیلاق و قشلاق ترکان و... با ذکر شواهدی از اشعار مثنوی یاد سخن رفته است.

بهارست و همه ترکان به سوی یبله
که وقت آمد که از قشلق به بیلاق رخت گردانند
(ج ۷ / ب ۳۲. ۳۵ غزلیات، نقل از: مباحثی، ۱۳۷۹: ۴۵۵)

تا نمیرد هیچ افرنگی چنین هیچ ملحد را مبادا این چنین
(دفتر ۵ / ب ۲۲۶۹)

یافته‌ها و نتیجه‌گیری:

در نتیجه‌ی تلاش‌های جدید در دوره‌ی معاصر، صاحب‌نظران ادبیات چون نظریه‌پردازان سایر علوم اجتماعی، سیاسی و... به این نتیجه رسیدند که به گونه‌ای دیگر اندیشمند و لازم دانستند تحقیق و تفحص ادبی هم با روند مسایل و قوانین طبیعی هماهنگ شود. آن چه امروز غرب و نظریه‌پردازان آن‌ها به عنوان تربیت چندفرهنگی بر زبان می‌رانند و از آن بحث می‌کنند در فرهنگ و ادب ایرانی به طور عملی راه خود را پیموده است. با نگاهی به آثار گذشته‌ی ادبیات خویش، چنین مباحثی را در بسیاری از آن‌ها به عیان می‌توان مشاهده کرد. به خصوص تأمل در متون عرفانی - که بی‌شک روح دمیده در کالبد ادبیات کلاسیک است - موضوع را روشن‌تر می‌کند.

بررسی مضامین چندفرهنگی در ادبیات به ویژه آموزه‌های مولوی، می‌تواند در زمره‌ی مطالعات بین رشته‌ای و ادبیات تطبیقی قرار می‌گیرد و موضوع فلسفه و نظریه جدیدی در قلمرو مطالعات ادبی باشد. اگر چه هدف اصلی آن است که با دقت و تأمل در اندیشه و آموزه‌های این شخصیت دوران‌ساز تاریخ، فرهنگ و ادبیات ایرانی، به بررسی و ارزیابی دستاوردهای فکری وی در زمینه‌ی آموزش و تربیت چند فرهنگ‌ی به مفهوم جدید پردازیم و دریابیم آن چه امروزه به عنوان نظریه‌های مدرن آموزشی و تربیتی معاصر قابل توجه بوده به طور طبیعی در مسیر فرهنگی و تاریخی ایران نمود داشته است.

ادبیات یکی از گونه‌های هنر است و عرفان هم خود گونه‌ای دیگر از هنر است و به تعبیر شفیعی کدکنی «رنگ هنری الاهیات است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۲۱) و شعر مولوی و این دو ویژگی هنری را در بالاترین مرتبه بلاغت و هنر منعکس کرده و اندیشه‌ها و عواطف خویش را در قالب مناسب‌ترین و زیباترین کلمات و عبارات بیان نموده است به همین دلیل جذابیت آثارش مضاعف و به تعبیر خودش «شربت اندر شربت» شده است:

این شنیدی مو به مویت گوش باد آب حیوان است خوردی نوش بساد
آفت این در هواوشهوت است ورنه این جاشربت‌اندرشربت است
(مولوی؛ ۱۳۹۰: ۲ / ۱۱)

یافته‌ها

همان‌طور که اشاره گردید برای انجام تحلیل محتوا، ابتدا ده مقوله اساسی که در واقع

ابعاد و مؤلفه‌های اساسی آموزش و پرورش چندفرهنگی هستند، با استناد به ادبیات تحقیق مورد شناسایی قرار گرفت. سپس در گام بعدی، به جستجوی این مقوله‌ها در واحد تحلیل (مضمون حکایات یا آموزه‌ها) پرداخته شد، که فراوانی نتایج به دست آمده و درصد‌های مربوط به هر کدام، در جداول ذیل آمده‌اند:

جدول نتایج تحلیل محتوای کتاب آموزه‌های و مولوی

ردیف	فراوانی	مولوی	
		درصد	فراوانی
۱	احترام متقابل و توجه به ارزش و کرامت معنوی همه انسان‌ها	۴۰	
۲	پذیرش تفاوت و تکثر و وحدت در عین کثرت و همزیستی مسالمت‌آمیز	۵۶	
۳	آموزش ضد تبعیض و تعصب نژادی	۴۵	
۴	تنوع استفاده از روش‌های تدریس، ارزشیابی، مواد و محیط یادگیری	۱۵	
۵	توزیع برابر منابع و فرصت‌های تعلیمی و تربیتی	۲۵	
۶	انعکاس تنوع قومی و مذهبی و محیطی	۲۰	
۷	تأثیر متقابل فرهنگ و یادگیری بر همدیگر	۱۸	
۸	افزایش مهارت‌ها تعاملی (تحمل و بردباری افراد، تساهل، همدلی، اعتماد و...) در بین اقوام و نژادها	۸۰	
۹	احساس مسولیت در قبال یکدیگر و تأکید بر تعاون و همکاری و ایثار عاشقانه	۵۵	
۱۰	تعلیم دوستی، عشق و محبت خالصانه فارغ از مذهب و قومیت و مکان و زمان	۷۰	

اطلاعات مربوط به جدول نشان می‌دهد که مجموع فراوانی مؤلفه‌های آموزش و پرورش چندفرهنگی تحلیل شده در محتوای آثار مولوی فراوانی است که به ترتیب، مولوی بیشترین فراوانی و توجه را به مؤلفه افزایش مهارت‌ها تعاملی (تحمل و بردباری افراد، تساهل، همدلی، اعتماد و...) در بین اقوام و نژادها، و اما کمترین فراوانی و توجه را به مؤلفه تنوع

جلوه‌هایی از تربیت چندفرهنگی در مثنوی معنوی / ۲۷۵

استفاده از روش‌های تدریس، ارزشیابی، مواد و محیط یادگیری، کرده است. تحلیل محتوای آثار و مولوی نشان داد که توجه به رویکرد آموزش و پرورش چندفرهنگی در این کتاب مقدس در همه مؤلفه‌های عدالت‌خواهانه رویکرد آموزش و پرورش چندفرهنگی مطالب بسیار مفیدی با بیانات مختلف دارد و این مقوله‌ها بسیار مورد تأکید قرار گرفته است.



منابع و مأخذ:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آشوری، داریوش، (۱۳۸۳)، دانشنامه سیاسی، تهران: مروارید.
- ۳- انصاری، قاسم، (۱۳۷۰)، مبانی عرفان و تصوف، نشر طهوری، تهران.
- ۴- انوشیروانی، (۱۳۸۹)، ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران، فصلنامه ادبیات تطبیقی، ش ۱، سال اول (صص ۳۹-۶).
- ۵- باقری، خسرو، (۱۳۸۸)، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران (جلد اول)، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۶- بقایی ماکان، محمد، (۱۳۸۵)، مولوی شمس اندیشه اقبال، همایش آموزه‌های مولانا در جهان معاصر، دانشکده کشاورزی کرج تهران (به نقل از: خبرگزاری کار ایران) وبسایت <http://www.poetry.ir/archives/000631.php>.
- ۷- زمانی، کریم، (۱۳۷۹)، شرح جامع مثنوی، تهران: اطلاعات.
- ۸- -----، (۱۳۸۳)، میناگر عشق، تهران، نی.
- ۹- ساجدی، طهمورث (۱۳۸۷)، از ادبیات تطبیقی تا نقد ادبی، تهران؛ امیر کبیر.
- ۱۰- ساروخانی، باقر، (۱۳۸۳)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (جلد اول)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ هفتم.
- ۱۱- شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۸۰)، ادوار شعر فارسی، تهران: سخن.
- ۱۲- -----، (۱۳۷۲)، آن سوی حرف و صوت، تهران: سخن.
- ۱۳- -----، (۱۳۹۱)، شرح غزلیات شمس، تهران: سخن.
- ۱۴- صادقی، علیرضا، (۱۳۹۰)، طراحی الگوی برنامه درسی چندفرهنگی تربیت معلم ابتدایی جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری تخصصی، دانشگاه علامه طباطبایی، به راهنمایی دکتر محمود مهرمحمدی.
- ۱۵- صالحی امیری، سیدرضا، (۱۳۸۵)، مدیریت تنوع قومی مبتنی بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی، مجله راهبرد، تابستان، شماره ۴۰، از صفحه ۳۷ تا ۵۰.
- ۱۶- عبدالحی، منیژه، (۱۳۸۵)، شیوه‌های روایت‌پردازی در گلستان، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز دوره بیست و پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۵ (پیاپی ۴۸).
- ۱۷- عبدلی سلطان احمدی، جواد، (۱۳۹۴)، مقاله‌ی «نگاهی به آموزش چندفرهنگی در کتاب‌های ادبیات فارسی»، فصلنامه زبان و ادبیات، دانشگاه آزاد اسلامی خوی.

- ۱۸- عبدلی سلطانی، جواد، (۱۳۹۳)، نگاهی به آموزش چندفرهنگی در کتاب‌های ادبیات فارسی، مجله علمی- پژوهشی ادبیات فارسی خوی: دانشگاه آزاد اسلامی خوی.
- ۱۹- عراقیه و همکاران، علی رضا و همکاران، (۱۳۸۸)، مطالعات بین رشته‌ای، راهبردی به سوی برنامه درسی چندفرهنگی، فصلنامه مطالعات میان رشت‌ای در علوم انسانی، دوره دوم، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۸، صص ۱۶۵-۱۴۹.
- ۲۰- کاکه‌رش، فرهاد، (۱۳۹۳)، مولانا شاعری در فراسوی مرزها و زمان‌ها، و قرابت گونه‌های فکری در اندیشه‌ای تربیتی مولوی وجان دیوئی، «فرهنگ، ادبیات و زبان‌ها»، اسلواکی.
- ۲۱- کریمی، عبدالرحمن، (۲۰۱۳م)، پیامبرعشق درجام غور: www.Jameghor.com/archive/philosophy
- ۲۲- کمالی سروستانی، کوروش، (۱۳۷۷)، شناسی، دفتر اول، چاپ نخست، شیراز: مرکزشناسی.
- ۲۳- -----، (۱۳۹۳)، «شیرین سخن» (برگزیده کلیات)، دانشنامه فارس و با همکاری مرکز شناسی.
- ۲۴- مصطفی‌زاده و آوری، اسماعیل و سلیمان، (۱۳۹۲)، بررسی میزان برخورداری کتب درسی جامعه شناسی سال دوم و سوم دبیرستان از مؤلفه‌های تربیتی برای زیستن در جامعه جهانی، همایش ملی چندفرهنگی، ارومیه.
- ۲۵- مصطفی‌زاده، اسماعیل، (۱۳۹۳)، بازشناسی مؤلفه‌های برنامه درسی چندفرهنگی به منظور تحلیل محتوای سند برنامه درسی ملی ایران، رساله دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه آزاد اصفهان.
- ۲۶- مولوی، جلال الدین محمد، (۱۳۵۲)، کلیات دیوان شمس تبریزی، حواشی و تعلیقات از، درویش، تهران: جاویدان.
- ۲۷- -----، (۱۳۹۰)، مثنوی معنوی، تصحیح: توفیق سبحانی تهران: سازمان چاپ و انتشارات.

28- Abdeli Soltan Ahmadi, J., Naderi, E., Shariatmadari, A., and Seifnaraghi, M. (2014). An Analysis of the Degree of Attention Given to Multi-cultural Lesson Planning and Curriculum Development in Iran's Educational System: Curriculum Planning Experts' Viewpoints. *Indian Journal of Fundamental and Applied Life Sciences*, 4(4), 1775-1782.

29- Krummel, Anni (2013). Multicultural Teaching Models to Educate Pre-Service Teachers: Reflections, Service-Learning, and Mentoring.

Current Issues in Education Vol. 16 No. 1. Pp 1

30- Kyung Cha, Yun. Hwan Ham, Seung. (2013).The Institutionalization of Multicultural Education as a Global Policy Agenda, The Asia-Pacific Education Researcher.

31- San Phoon, Hooi. Ng Lee Yen Abdullah, Melissa. Christina Abdullah, Anna.

